



## Sociological Criticism of the Screenplays *The Skier* and *The Twelfth Team-mate* based on Anthony Giddens' Point of View

Sajad Najafi Behzadi\*<sup>1</sup>, Mehran Najafi Hajivar<sup>2</sup>

### Introduction

#### Research Background

While there is a lack of specialized independent research on the subject, there have been studies conducted on tradition and modernity in cinema, as well as in various aspects of Bakhtiari culture. Some of these studies could be notable. Partazian et al. (2012) in their book named *The Interaction or Encounter between Tradition and Modernity in Iran* explored the content of Iranian films from 1960s to 1980s, such as "Mother," "Hmoon," and "Chaharshanbe Soori," to examine the relationship between tradition and modernity in Iranian life. Rawdrad et al. (2014) have analyzed the representation of the challenge between tradition and modernity in the article "Representation of the challenge of tradition and modernity in the film *Be Hamin Sadegi*" based on Laclau and Mouffe's discourse theory and the method of discourse semiotics. Furthermore, they have referred to theoretical studies to analyze tradition and modernity in the mentioned film. Mahdavi and Osivand (2015) addressed the issue of modernity and its impact on the nomadic life of Bakhtiari tribes in their article

Received: 07/02/2023

Accepted: 05/08/2023

\* Corresponding Author's E-mail:  
najafi@sku.ac.ir

<sup>1</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature Department and Researcher of Bakhtiari Studies Institute, Shahrekord University, Shahrekord, Iran (corresponding author).

<https://orcid.org/0000-0002-8007-6392>

<sup>2</sup> Assistant Professor of Persian Language and Literature Department and Researcher of Bakhtiari Studies Institute, Shahrekord University, Shahrekord, Iran.

<https://orcid.org/0000-0002-2843-2492>



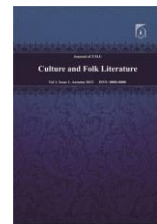
"The impact of modernity on life and migration of Bakhtiari tribes, a case study of Osivand and Babadi tribes". Their research findings suggest that the nomads have experienced changes across all aspects of their lives due to the shift towards modernity. These changes have brought both prosperity and comfort but have also presented a range of challenges and problems for the nomads.

### **Goals and questions**

Rituals have evolved throughout history and have been established as a way for humans to connect with their surrounding environment based on their beliefs. These rituals have gradually been accepted in society (Mirheydari, 2017, p. 100). The advent of modernity has brought numerous challenges for ethnic groups and clans, resulting in a decrease in the significance of their professions, business affairs, and cultural practices. Despite the profound changes experienced by the Bakhtiari society in recent decades, including shifts in individual networks, structures, family dynamics, and collective institutions, they are committed to preserving their longstanding connections to their identity, traditions, and traditional elements. This research aims to highlight these transformations and efforts, while also exploring the contrast between tradition and modernity in Fereydoun Najafi's films, *The Twelfth Team-mate* and *The Skier*. Through observation and analysis, it is possible to determine which feature holds greater prominence in these films.

### **Conclusion**

After analyzing these two screenplays, it is evident that Giddens' observations about traditions and their connection to people's identity hold true. The traditions within the Bakhtiari clans are deeply intertwined with their identity, to the point where they are incredibly attentive to ensuring their proper execution. These traditions are



safeguarded by both males and females, serving as the custodians of their cultural heritage. Traditions are continuously reiterated without seeking input or asking about the way they are carried out. For instance, the act of turning off the television during periods of mourning is a tradition that varies among the Bakhtiari tribes but is consistently upheld in various ways.

### References

- Mahdavi, D., & Hasivand, M. (2014). *The impact of modernity on the life and migration of the Bakhtiari nomads*. The First International Conference on Geographical Sciences.
- Mirheidari, M. (2016). Chamar ritual; a ritual left over from Siavashan's mourning. *Iranian People's Culture*, 50-51, 119 -99.
- Partazian, K., Mohammadi, S., Khatiri, M., & Bargharari, S. (2012). *The confrontation or interaction of tradition and modernity in Iranian life with a focus on Iranian cinema: content analysis of Iranian films of the 1960s - 80s (Madar, Hamoun, and Chaharshanbesuri)*. Alaei.
- Ravderad, A., Soltani, A., & Suzan Kar, M. (2013) Representation of the challenge of tradition and modernity in the film as simply as this. *Sociology of Art and Literature*, 6(2), 213-238.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

دوماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه

سال ۱۱، شماره ۵۲، مهر و آبان ۱۴۰۲

مقاله پژوهشی

DOR: 20.1001.1.23454466.1402.11.52.7.5

## نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های اسکی‌باز و یار دوازدهم

### براساس دیدگاه آنتونی گیدنز

سجاد نجفی بهزادی\*<sup>۱</sup>، مهران نجفی حاجیور<sup>۲</sup>

(دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۴)

#### چکیده

در فرایند مدرنیته شدن جوامع، بسیاری از عناصر فرهنگی، نقش‌ها و ساختارهای اجتماعی دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند. این دگرگونی‌ها با توجه به فرم و ساختار جوامع، نوع و نقش عناصر و شیوه رویارویی و نوع درک نقش‌های اجتماعی از ماهیت مدرنیته، متفاوت شکل می‌گیرند. جامعه ایلی بختیاری با ساختاری کاملاً سنتی و به‌عنوان بخشی از ساختار جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر مسیر تحول و دگرگونی را با سرعت سپری می‌کند که این تغییرات در ساختارهای مختلف ایلی و طایفه‌ای، خانوادگی، انواع روابط میان نقش‌های اجتماعی، آداب و سنن و به‌شکل فراگیر، تمامی عناصر فرهنگی خود را نشان می‌دهد. برای بررسی جامعه‌شناختی این تغییرات علاوه بر مطالعات و پژوهش‌های میدانی، با نگاهی به ادبیات و هنر

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر پژوهشکده بختیاری‌شناسی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران (نویسنده مسئول).

\*najafi@sku.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0002-8007-6392>

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی و پژوهشگر پژوهشکده بختیاری‌شناسی دانشگاه شهرکرد، شهرکرد، ایران  
<https://orcid.org/0000-0002-2843-2492>

به‌عنوان آینه تمام‌نما از فرهنگ عامه جامعه مورد بررسی، می‌توان به نتایج قابل توجهی دست یافت. در پژوهش حاضر با شیوه تحلیل محتوا، دو فیلمنامه *اسکی‌باز* و *یار دوازدهم* به کارگردانی فریدون نجفی از منظر جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز<sup>۱</sup> و براساس چهار مؤلفه‌ای که گیدنز برای سنت‌ها ذکر می‌کند، مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مولفه‌های چهارگانه سنت از دیدگاه گیدنز در دو فیلمنامه *اسکی‌باز* و *یار دوازدهم* دیده می‌شود. سنت‌ها در میان مردمان بختیاری نه تنها از بین نرفته‌اند، بلکه نگهبانانی دارند که حافظ آن‌ها هستند. این سنت‌ها طبق نظر گیدنز به صورت دسته‌جمعی برگزار می‌شوند و به نوعی با هویت افراد (ایل بختیاری) پیوندی ناگسستنی دارند و در حوزه‌های مختلف تکرار و بازتکرار می‌شوند.

**واژه‌های کلیدی:** بختیاری، سنت، مدرنیته، *اسکی‌باز*، *یار دوازدهم*، آنتونی گیدنز.

## ۱. مقدمه

سنت و مدرنیته یکی از چالش‌های مهم عصر حاضر در میان منتقدان، نویسندگان و جامعه‌شناسان است. تحولات مختلفی که در زمینه‌های سیاسی و اجتماعی (عدم قطعیت، فیزیک کوانتوم، پیامدهای ناشی از جنگ‌های جهانی اول و دوم) صورت گرفت، زمینه پیدایش مدرنیته را فراهم کرد. ورود مدرنیته باعث تغییر در زندگی اجتماعی بشر شد. به باور گیدنز، مدرنیته «به شیوه‌هایی از زندگی یا سازمان اجتماعی مربوط می‌شود که از سده هفدهم به بعد در اروپا پیدا شد و به تدریج نفوذی کم‌وبیش جهانی پیدا کرد» (گیدنز، ۱۳۸۴ الف، ص. ۹). مارشال برمن<sup>۲</sup> مدرنیته را وجه خاصی از تجربه حیاتی، تجربه زمان و مکان، تجربه ارتباط میان خود و دیگران، تجربه امکانات و مخاطرات زندگی می‌داند که تمامی مرزهای جغرافیایی و قومی، طبقاتی، ملی و دینی و

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های اسکی‌باز و یار... \_\_\_\_\_ سجاد نجفی بهزادی و همکار

ایدئولوژیکی را درمی‌نوردد و نوع بشر را وحدت می‌بخشد، اما وحدتی معماوار و تناقض‌آمیز که مبتنی بر تفرقه است و همه را به درون گرداب فروپاشی و تجدید حیات مستمر تناقض و ابهام و عذاب می‌افکند. مدرن بودن یعنی تعلق به دنیایی که در آن، به قول مارکس، هر آنچه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود (برمن، ۱۳۸۰، ص. ۱۴). مدرنیته، نوعی تجربه کردن زندگی و شیوه زیستن است که از تحولات صنعتی شدن، شهرنشینی و جداسازی حوزه دینی از غیردینی ناشی شده است (چاپلنز، ۱۳۹۲، ص. ۲۵) و به معنی خردباوری و تلاش برای شکستن و ویرانگری عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی با پشت سر نهادن ارزش‌ها، حس‌ها، باورها و در یک کلام شیوه‌های مادی و فکری کهن است (احمدی، ۱۳۷۳، ص. ۱۱). گیدنز، مدرنیته و ویژگی‌های آن را این‌گونه برشمرده است: مدرنیته مربوط می‌شود به مجموعه معینی از طرز تلقی‌ها نسبت به جهان و نسبت به افکار جهان به‌عنوان جهانی آزاد برای تغییر به دست و با دخالت انسان، نهادهای پیچیده به‌ویژه تولید صنعتی و اقتصاد مبتنی بر بازار و حد معینی از نهادهای سیاسی از جمله دولت - ملت و دموکراسی توده‌ای. در واقع جامعه مدرن، جامعه‌ای است با نهادهای پیچیده که برخلاف فرهنگ گذشته در آینده زندگی می‌کند تا در گذشته (پیرسون، ۱۳۸۰، صص. ۱۶۳-۱۶۴).

براساس نظریه گیدنز

یکی از مسائل مدرنیته، تغییر است و اساس آن بر نقد گذشته و حال استوار است تا آنجا که خود را نقد می‌کند. خردباوری، فردمحوری، انسان‌گرایی از مبانی مدرنیته‌اند و با خداباوری اندیشه سنتی، تقابل دارند. صنعتی شدن، افزایش نیروی نظامی، دموکراسی، رشد رسانه‌های ارتباط جمعی، شاخص‌های دیگری هستند که موجب تغییر در زیرساخت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۵، ص. ۶۵).

### آزاد ارمکی مؤلف کتاب مدرنیته ایرانی معتقد است که

انقلاب مشروطه، اولین ارمغان مدرنیته ایرانی است که هر چند ناکام ماند، تأثیر زیادی در اندیشه روشنفکران ایرانی باقی گذاشت. در دوره رضاشاه، اقداماتی مانند ممنوعیت حجاب، ایجاد ارتش، ساخت راه آهن، زمینه تجدد را فراهم ساخت و محمد رضاشاه نیز این مسیر را ادامه داد. هرچند چنین چالش‌هایی ظاهر زندگی ایرانی را تغییر دادند، اما مبانی اندیشه در ایران تفاوت بنیادی نکرد. در واقع مدرنیته در ایران بیش از آنکه ذهنی باشد، عینی بود (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰، ص. ۸۰).

ایشان مهم‌ترین مؤلفه‌های مدرنیته ایرانی را در ایرانی بودن، معلق بودن، ایدئولوژیک بودن، تناسب کم‌تر داشتن با سنت، ابهام داشتن، دوقطبی بودن، پیش‌داوری داشتن، اثباتی بودن، تسلط عوامل خارجی بر داخلی، توجه به ساختار سیاسی، تقدس‌زدگی و اعتقاد به ترقی ذکر کرده‌اند (همان، ص. ۹۰).

به زعم گیدنز، سنت برجسیبی است که نظام‌های اجتماعی پیشامدرن را با هم نگاه می‌دارد. سنت، اندیشه فورموله‌شده حقیقت است که اولیایی دارد و برخلاف عرف، الزاماتی دارد که محتوای اخلاقی و احساسی را در هم می‌آمیزد. این «حقیقت فورمولی» سنت شامل این نکته است که فقط افراد خاصی به حقیقت دسترسی کامل دارند. سنت نوعی سرمایه‌گذاری عاطفی و اخلاقی است. از این رو، نوعی محتوای هنجاری و ویژگی الزام‌آور دارد که علاوه بر تعیین هست‌ها، باید‌ها را نیز تعیین می‌کند. اعتقادات مذهبی و آداب و رسوم مانند دیگر عملکردهای سنتی، به اخلاق و احساسات تمایل دارند. سنت یکسره ایستا نیست، زیرا برای هر نسل تازه‌ای دوباره اختراع می‌شود (گیدنز، ۱۳۸۵، ص. ۷۵). سنت، همچنین رشته‌ای از نگرش‌ها، گرایش‌ها، عواطف، احساسات، عادات، آداب، رفتارها و نهادهایی تعبیرشده است که از نسلی به نسل بعد انتقال یافته است و با وجود گذشت زمان به صورت موروثی و جاافتاده توسط جامعه یا



نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های اسکی‌باز و یار... \_\_\_\_\_ سجاد نجفی بهزادی و همکار

گروه‌هایی از آن پذیرفته و رعایت می‌شود و برای آن نوعی احترام یا قداست قائل می‌شوند و چون و چرا درباره آن‌ها محل حساسیت قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۸، صص. ۱۱-۵). سنت، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، هنجارها و باورهایی است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود؛ ذهنیت‌ها و افکاری است که در گذشته منشأ دارد و مبنای عمل و رفتار قرار می‌گیرد. درستی یا معقول بودن اعمال و رفتار سنتی براساس سابقه حضور در مدت زمانی ارزیابی می‌شود که اعمال و آداب، مورد قبول جامعه بوده است (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۶؛ عضدانلو، ۱۳۸۶، صص. ۵۵۸-۳۶۹).

در تعریف سنت، مؤلفه‌ها و اصول خاصی وجود دارد. «سنت مجموعه باورهایی است که از نسلی به نسل دیگر قابل انتقال است» (وبر، ۱۳۶۷، ص. ۳۹). از دیدگاه گیدنز، سنت چهار ویژگی مهم دارد: ۱. سنت شامل آیین و رسوم و مراسمی است که در حوزه‌های معین تکرار و بازتکرار می‌شود، بدون آنکه این سؤال شود که آیا آنچه انجام می‌دهیم صحیح است یا خیر؛ ۲. سنت جمعی است؛ آیین یعنی این رسوم به شکلی جمعی انجام می‌شوند؛ ۳. سنت در درون خود نگره‌بانی دارد که حافظ آن هستند، مثل کاهن یا کشیش‌ها که کارشان تفسیر و توضیح و حفظ سنت‌هاست؛ ۴. سنت با هویت افراد درگیر می‌شود، زیرا احساسات و هیجانات را رهبری می‌کند و بر رفتار انسانی تسلط دارد (گیدنز، ۱۳۸۰، صص. ۷۳-۸۰). سنت به گذشته و بازسازی گذشته تمایل دارد. برخلاف مدرنیته که گسستن و بریده شدن از گذشته و سنت‌ها و نگاهش به آینده است. حتی مدرنیته، مردمی را که در سنتی‌ترین سکونتگاه‌های ممکن خارج از بخش پیشرفته جهان به سر می‌برند، تحت تأثیر قرار می‌دهد. گیدنز به نقل از ادوارد شیلز می‌گوید، سنت‌ها همیشه در حال تغییرند، اما برخی نظریه‌های سنت، معتقدند هر آنچه سنتی باشد، پایدار می‌ماند. اعتقاد یا عمل سنتی، یکپارچگی و تداومی دارد که در برابر

تغییر مقاومت می‌کند. سنت‌ها ویژگی اندام‌واری دارند. آن‌ها رشد می‌کنند و بالغ می‌شوند، یا ضعیف می‌شوند و می‌میرند. از این رو، یکپارچگی یا اصالت سنت، در تعیین اینکه سنت تا چه مدتی دوام می‌آورد، بسیار مهم است (بک و همکاران، ۱۹۹۴، ص. ۶۶). چالش بین سنت و مدرنیته در بین کوچک‌ترین بخش جامعه (خانواده) تا بزرگ‌ترین بخش آن یعنی نظام‌های سیاسی، اقتصادی و... وجود دارد، به‌خصوص این امر از نهاد خانواده شروع می‌شود.

#### ۱-۱. بیان مسئله

رشد جوامع و پیشرفت‌های علمی و صنعتی، افزایش اطلاعات و بینش مردم از طریق رسانه‌های جمعی، باعث شده است انسان‌ها نگاه و نگرشی جدید و به‌روز نسبت به زندگی و محیط اطراف داشته باشند. علی‌رغم همه این پیشرفت‌ها، هنوز جوامعی هستند که تمایل زیادی به سنت‌ها و روش‌های زندگی گذشته دارند. آیین‌ها جزئی از سنت به‌شمار می‌روند و در جوامع سنتی مانند ایران، از جایگاه خاصی برخوردارند. ویژگی اصلی آیین‌ها، مردمی بودن و احساس ناخود آگاه جمعی آن‌هاست که اعضای جامعه را به برگزاری ترغیب می‌کند. آیین‌ها در طول تاریخ و در ارتباطی که انسان براساس باورهایش با محیط پیرامون برقرار کرده است، شکل گرفته و به تدریج در جامعه پذیرفته شده‌اند (میرحیدری، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۰). در برخی از جوامع و اقوام ایران زمین، مسئله سنت و تقابل با مدرنیته وجود دارد. تمایل اقوام به پای‌بندی به سنت‌ها بعد از گذشت سال‌ها و ورود مدرنیته و اشکال مختلف آن، قابل توجه است. مردمان قبایل و طوایف مختلف در کنار زندگی مدرنیته و جدید، پای‌بند سنت‌ها و آداب و رسوم گذشته خویش‌اند. ورود مدرنیته و نوگرایی چالش‌های زیادی برای اقوام و طوایف به‌وجود آورده است، به گونه‌ای که ورود مدرنیته باعث کم‌رنگ شدن شغل،

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های *اسکی‌باز* و *یار...* ..... سجاد نجفی بهزادی و همکار

امور کاری، فرهنگ و ... آن‌ها شده است. جامعه‌ایلی بختیاری، با وجود تغییراتی که در دهه‌های اخیر در شبکه‌های فردی و ساختارها و رویه‌های خود مشاهده کرده است و این تغییرات از نهاد خانواده گرفته تا ساختارهای جمعی فراتر از خانواده نمود پیدا کرده است، اما همچنان در تلاش است تعلقات هویتی دیرینه خود با سنت و عناصر سنتی را به‌شکلی مقدس‌گونه حفظ کند. هدف پژوهش حاضر نشان دادن این دگرگونی‌ها و تلاش‌ها و همچنین در حالی عام بررسی تقابل سنت و مدرنیته در دو فیلم *یار دوازدهم* و *اسکی‌باز* از فریدون نجفی است.

این دو فیلم کوتاه برشی از زندگی مردم بختیاری ساکن کوه‌رنگ در استان چهارمحال و بختیاری است. ضمن معرفی مختصر دو فیلم، به مهم‌ترین تقابل‌های میان سنت و مدرنیته از دیدگاه گیدنز می‌پردازیم و چهار ویژگی مذکور در نظریه گیدنز در دو فیلم *یار دوازدهم* و *اسکی‌باز* را بررسی و تحلیل می‌کنیم. پرسش مهم پژوهش این است مؤلفه‌های سنت از دیدگاه گیدنز تا چه اندازه در فیلم‌های مورد نظر دیده می‌شود و کدام ویژگی برجسته‌تر است؟

## ۲-۱. پیشینه تحقیق

درباره موضوع مورد نظر به صورت تخصصی پژوهش مستقلی صورت نگرفته است، اما درباره سنت و مدرنیته در سینما و همچنین در حوزه‌های مختلف فرهنگ بختیاری تحقیقاتی صورت گرفته است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

پارتازیان و همکاران (۱۳۹۲) در کتاب *تقابل یا تعامل سنت و مدرنیته در زندگی ایرانی* با تمرکز بر سینمای ایران: تحلیل محتوای فیلم‌های دهه‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ ایران («مادر»، «هامون» و «چهارشنبه‌سوری») به بررسی نسبت میان سنت و مدرنیته در زندگی ایرانی با تمرکز بر برخی فیلم‌های سینمای ایران، پرداخته‌اند.

راودراد و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله «بازنمایی چالش سنت و مدرنیته در فیلم به همین سادگی» براساس نظریه گفتمان لاکلا و موف و به روش نشانه‌شناسی گفتمانی، همچنین با استناد به مطالعات نظری به تحلیل سنت و مدرنیته در فیلم مذکور پرداخته‌اند.

مهدوی و حسیوند (۱۳۹۴) در مقاله «تأثیر مدرنیته بر زندگی و کوچ عشایر بختیاری، مطالعه موردی طایفه اسیوند و بابادی» به مسئله مدرنیته و تأثیر آن در کوچ اقوام بختیاری پرداخته‌اند. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد همه بخش‌های زندگی عشایر کمابیش تغییراتی را پذیرفته‌اند، حرکت به سوی زندگی مدرن و هر تغییری در وضعی سنتی، دارای دو جنبه بوده است؛ از یک سو رفاه و آسایش و از سوی دیگر یک سری مسائل و مشکلات را برای عشایر به وجود آورده است.

سیف‌اللهی و سلیمانی (۱۳۹۵) در مقاله بررسی جامعه‌شناختی چالش‌های سنت‌گرایی و نوگرایی در ایران طی سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۸ش، زنان استان چهارمحال و بختیاری، به آسیب‌ها و پیامدهای ناشی از این چالش پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که نوگرایی باعث ایجاد تغییر در نگرش زنان استان در زمینه مسائل زندگی و جامعه شده و اثرات سنت‌گرایی هنوز هم بر زنان استان حاکم است.

### ۳-۱. روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر به صورت تحلیل محتواست. با مطالعه فیلمنامه و مشاهده فیلم‌های اسکی‌باز و یار دوازدهم و با تطبیق موارد قابل تعمق و تطبیق آن‌ها با مؤلفه‌های موجود در نظریه گیدنز به تحلیل دگرگونی‌ها و تغییرات اجتماعی در ایل بختیاری و مسئله چگونگی ماندگاری و دوام سنت‌ها و همچنین تقابل سنت و مدرنیته در ساختار اجتماعی زندگی ایل بختیاری پرداخته شده است.

#### ۴-۱. درباره فیلم اسکی‌باز

اسکی‌باز نخستین فیلم بلند سینمایی فریدون نجفی است که در سال ۱۳۹۶ در ارتفاعات زردکوه بختیاری ساخته شد. این فیلم نگاهی انسانی و عاطفی به زندگی کودکان و نوجوانان دارد و به نقد چالش‌های اجتماعی و تربیتی در این زمینه می‌پردازد. پناهنده شدن یک بز کوهی به یک روستا، موقعیت و شرایطی را فراهم می‌آورد تا مخاطب شاهد دو حادثه مهم در فیلم باشد؛ نخست، افراد روستا که با پیروی از سنت‌های رایج روستا به فکر قربانی کردن بز پناهنده هستند و دوم کودکی که برای نجات بز و حمایت از طبیعت و حیات وحش، مانند یک قهرمان، مبارزه‌ای را آغاز می‌کند. فیلم اسکی‌باز با دریافت هفت پروانه زرین، پرافتخارترین و بهترین فیلم سینمایی سی‌امین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان ایران شد. فیلم، درباره نوجوان اسکی‌بازی است که فقط چند ساعت تا مسابقه اسکی‌اش زمان دارد. چوب اسکی‌اش شکسته است و به نجار آبادی سفارش یک جفت چوب اسکی می‌دهد و مجبور می‌شود برخلاف میل باطنی‌اش به منظور انجام یکی از سنت‌های مردمان بختیاری، بز کوهی را برای قربانی کردن به روستای مجاور ببرد و تا عصر برگردد. راه کوهستان برفی و صعب‌العبور را در پیش می‌گیرد. در بین راه اتفاقاتی رخ می‌دهد و سرنوشت توری دیگر رقم می‌خورد. رسم سرباره<sup>۳</sup> را ادا می‌کند، ولی بز کوهی نجات پیدا می‌کند. نوجوان با عجله به روستای خودشان برمی‌گردد. چوب اسکی‌هایش هنوز آماده نشده است. در اوج ناراحتی متوجه می‌شود که مسابقه اسکی به دلیل بارندگی برگزار نمی‌شود.

#### ۵-۱. درباره یار دوازدهم

این فیلم کوتاه، داستان کودکی بختیاری است که پدربزرگ خود را از دست داده و هم‌زمان با مرگ پدربزرگ، مسابقه فوتبال ایران و ژاپن در حال برگزاری است. در

روستای بختیاری‌نشین، ترک هر نوع بازی و سرگرمی (همچون خاموش کردن رادیو و تلویزیون) در عزای مردگان رسمی دیرینه و پای‌بندی به آن لازم است. هم‌زمان با این مراسم که در سوگ پدربزرگ بهمن برپا شده است، مسابقه فوتبال ایران و ژاپن به صورت زنده پخش می‌شود؛ بهمن شخصیت اصلی فیلم، پسر بیچه ده‌ساله و عاشق فوتبال است. به هر دری می‌زند تا بتواند این بازی حساس را تماشا کند.

این فیلم بیش از ده جایزه از جشنواره‌های بین‌المللی فیلم دریافت کرده است؛ از جمله: پروانه زرین و دیپلم افتخار بهترین کارگردانی از بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان؛ پروانه زرین و دیپلم افتخار بهترین بازیگر کودک و نوجوان از بیست و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان؛ تندیس جشنواره دیپلم افتخار و جایزه بهترین فیلمنامه از بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران؛ بهترین فیلم داستانی از نگاه داوران دانشجویی از بیست و هفتمین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران؛ دیپلم افتخار بهترین بازیگری از جشنواره فیلم رویش و کسب عنوان بهترین کارگردانی از جشنواره بین‌المللی فیلم رشد.

## ۲. بحث و بررسی

در این بخش دو فیلم کوتاه *اسکی‌باز* و *یار دوازدهم* از آثار فریدون نجفی براساس دیدگاه‌های گیدنز درباره سنت، بررسی و تحلیل می‌شوند. دو فیلم کوتاه مذکور برگرفته از محیط و فرهنگ بختیاری است که هر کدام جلوه‌ای از سنت‌ها و فرهنگ بختیاری را به نمایش می‌گذارند.

### ۲-۱. جمعی بودن سنت‌ها

گیدنز عقیده دارد که سنت‌ها جمعی هستند؛ یعنی به صورت دسته‌جمعی برگزار می‌شوند (گیدنز، ۱۳۸۵ الف، ص. ۳۹). در فیلم *اسکی‌باز* و *یار دوازدهم* این مسئله

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های *اسکی‌باز* و *یار...* ..... سجاد نجفی بهزادی و همکار

به‌خوبی دیده می‌شود. در میان ایل بختیاری رسمی به‌نام «سرباره» وجود دارد که در واقع نوعی کمک مالی به خانواده عزادار است؛ به این صورت که هر طایفه‌ای یک دام یا مقداری پول و مایحتاج را به‌عنوان کمک‌خرج مراسم برای خانواده صاحب عزا می‌برند و در تهیه غذا و دیگر امور برگزاری مراسم، یاری‌اش می‌کنند.

در واقع سرباره یا یوزی، پول یا مالی است که اغلب افراد به‌منظور کاهش هزینه‌های صاحب مراسم عزا می‌پردازند. میزان مبلغ بر مبنای مراسم پیشین و یا اهمیت نقش متوفی و خانواده او تعیین می‌شود. مهم‌ترین کارکرد سرباره این است که افراد ایل با تأمین بخش قابل‌توجهی از هزینه‌های برگزاری مراسم عزاداری، مانع از افزایش آلام و زحمات خانواده متوفی شوند (بهمنی و احمدی اوند، ۱۴۰۰، ص. ۲۲).

سرباره به شکل‌های مختلفی چون مبلغی پول، بردن تعدادی گوسفند و مقداری غذا و خوراکی برای خانواده متوفی انجام می‌گیرد.

از آنجا که اجرای مراسم سوگواری برای صاحب عزا هزینه بسیار سنگینی دربر دارد، در تمام طول مراسم، مردان و زنان ایل با فرستادن گوسفند و یا مبلغی پول به‌عنوان سرباره به اندازه وسع و توانایی، در مراسم فاتحه‌خوانی که حداقل یک هفته به طول می‌انجامد، شرکت و حضور فعال دارند (میرحیدری، ۱۳۹۶، ص. ۱۰۵).

اهمیت اجرای رسم سرباره در میان طوایف بختیاری تا اندازه‌ای است که اجرا نکردن آن با مشکلاتی همراه است، زیرا بعد از اتمام مراسم، صاحبان عزا، نوع و میزان سرباره‌های دریافت‌شده از طرف اقوام، طوایف و فامیل‌های مختلف را یادداشت کنند تا در شادی‌ها و سوگواری‌ها به همان میزان و بیشتر جبران کنند. در فیلم *اسکی‌باز* اهمیت رسم سرباره به‌خوبی نشان داده شده است. «جولی» نوجوانی که نقش اصلی فیلم را ایفا

می‌کند، مأمور رساندن بزِ سرباره به روستای شخص متوفی می‌شود و حساسیت و سخت‌گیری او برای انجام دادن این مأموریت به این سبب است که سرباره، متعلق به یک طایفه و فامیل است و اعتبار گروهی و جمعی افراد به انجام کار او وابسته است. در جای جای فیلم با همه مشکلات دست و پنجه نرم می‌کند تا این سنت جمعی را انجام دهد. برای نمونه در تصویر شماره ۱ که سکانشی از فیلم *اسکی‌باز* است، نشان داده می‌شود که همه گروه‌ها از کودک و نوجوان تا دختران و زنان و بزرگسالان در اجرای این سنت شرکت می‌کنند.



تصویر ۱: بردن سرباره (فیلم *اسکی‌باز*)

Picture 1: Taking the Sarbare (Skier's movie)

جمعی انجام دادن این سنت علاوه بر اینکه ذات زندگی ایلی و طایفه‌ای است، می‌تواند آموزش سنت به دیگر افراد باشد تا نسل آینده نیز این رسم را اجرا کنند و دست‌به‌دست و سینه‌به‌سینه به آیندگان هم منتقل شود. گیدنز عقیده دارد «سنت‌ها از جریان نوسازی دور نمی‌شوند و حتی در مدرن‌ترین جوامع ادامه می‌یابند» (گیدنز، ۱۳۸۴، ص. ۷۶). هرچند امروزه سنت سرباره نیز در شکل‌های جدیدی همچون پرداخت پول نقد و انداختن پاکت پول در صندوق سرباره که در گوشه‌ای از مراسم



نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های اسکی‌باز و یار... سجاده نجفی بهزادی و همکار

تدارک دیده می‌شود بروز پیدا می‌کند، اما در بسیاری از طوایف بختیاری حضوری پررنگ دارد. براساس نظریه گیدنز، شاید سنت در جوامع مختلف با حضور مدرنیته کم‌رنگ و در آستانه تحوّل یا تعظیمی واقع شود، اما هرگز به مرحله حذف یا زوال نمی‌رسد. گیدنز به نقل از ادوارد شیلز<sup>۴</sup> می‌گوید، سنت‌ها همیشه در حال تغییرند، اما برخی نظریه‌های سنت، معتقدند هر آنچه سنتی باشد، پایدار می‌ماند. اعتقاد یا عمل سنتی، یکپارچگی و تداومی دارد که در برابر تغییر مقاومت می‌کند. سنت‌ها ویژگی اندام‌واری دارند. آن‌ها رشد می‌کنند و بالغ می‌شوند، یا ضعیف می‌شوند و می‌میرند. از این رو، یکپارچگی یا اصالت سنت، در تعیین اینکه سنت تا چه مدتی دوام می‌آورد، بسیار مهم است (بک و همکاران، ۱۹۹۴، ص. ۶۶). این سنت همچنان در میان اقوام و طوایف مختلف بختیاری به شکل‌های گوناگون و بیشتر در قالب پرداخت پول انجام می‌شود.

یکی دیگر از آیین‌های مردم بختیاری در سوگواری، کُتل<sup>۵</sup> بستن است. کُتل بستن نوعی سوگواری آیینی برای متوفی در میان برخی از مردم نواحی غربی ایران است. هرچند این رسم در حال منسوخ شدن است، اما هنوز هم برخی طوایف ایل بختیاری، مانند شاخه هفت لنگ آن را برگزار می‌کنند (نعمت طاووسی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۵). در حال حاضر، این رسم بخشی از آیین‌های عزاداری برای دلبران، بزرگان، سرداران و دلاورمردان ایل است؛ به این ترتیب که یک اسب و به‌طور معمول، اسب شخص فوت‌شده را زین می‌کنند و با پارچه سیاه یا رنگین زینت می‌دهند (ارشادی، ۱۳۸۸، ص. ۴۳). گاهی نیز دستار و کاله، تفنگ، قطار فشنگ و یراق رزمی متوفی را بر آن می‌آویزند. در این حالت اسب را کُتل می‌گویند. گاه نیز در مراسم عزاداری شخصی که از پایگاه اجتماعی بالایی برخوردار است، چند اسب را کتل می‌بندند و آن‌ها را در حالی که نوازندگان آهنگ «پا کُتلی» می‌نوازند، به سوی مدفن متوفی حرکت می‌دهند. چند

زن در کنار اسب و یا اسب‌ها مویه سر می‌دهند و شعرهایی در وصف متوفی می‌خوانند (موسوی اسدزاده، ۱۳۷۹، ص. ۲۸). در فیلم *اسکی‌باز* اجرا و اهمیت این آیین به خوبی دیده می‌شود.



تصویر ۲: آیین کُتل بستن (فیلم *اسکی‌باز*)

#### Picture 2: The Ritual of Tying the Kotal (Skier's Movie)

همان‌گونه که در تصویر ۲ مشاهده می‌شود، سنت کتل بستن به شیوه دسته‌جمعی برگزار می‌شود. مردان از کوچک تا بزرگ با لباس‌های یک‌رنگ بختیاری این سنت را انجام می‌دهند. یک نفر اسب تزیین‌شده را دور کتل می‌چرخاند.

پس از اینکه کتل بسته شد، یک نفر افسار اسب را می‌گیرد و آن را همراه با جماعت عزادار که بر سر می‌زنند و زنانی که گاگریو می‌خوانند و سازهای کرنا و دهل که نغمه چپی می‌نوازند، رهسپار می‌کند. کتل بخشی از باورها و اعتقادات مردم ایل بختیاری را تشکیل می‌دهد و نمادی است از اعتقاد به هستی و نیستی و کائنات و به بیانی دیگر، اجرای این مراسم تداعی‌کننده روزگار گذران و کارنامه اعمال متوفاست که اسب کتل آن را حمل می‌کند (ارشادی، ۱۳۸۸، ص. ۵۰).

امروز نیز با وجود تغییرات ساختاری و دگرگونی‌های ناشی از ورود مدرنیته و همچنین شیوه‌های جدید سوگواری در شهرها و حتی روستاها، هنوز هم آیین کتل‌بندی

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های *اسکی‌باز* و *یار...* ..... سجاد نجفی بهزادی و همکار

در میان ایل بختیاری رایج است. اجرای این آیین باعث ایجاد هم‌بستگی و پیوند اجتماعی عمیق‌تر میان افراد می‌شود. دورکیم<sup>۷</sup> معتقد است که آیین‌ها یکی از ابعاد یکپارچگی در جامعه است و در آن‌ها با اختیار کردن گروهی از ضوابط و نقش‌ها در چارچوب نظمی که به بیان درمی‌آورد، پیوند اجتماعی یکپارچه‌کننده را تقویت می‌کند. او کارکرد آیین‌ها را در حفظ نظم اجتماعی می‌داند که به‌خصوص از طریق عاطفه و هم‌بستگی تجلی پیدا می‌کند (ریویر، ۱۳۸۶، ص. ۲۶۲).

آیین کُتل در روز تاسوعا و عاشورا هم برگزار می‌شود. شاید برگزاری این آیین در مراسم مذهبی به ماندگاری و تثبیت این سنت کمک کرده است. گیدنز در این باره توضیح می‌دهد که چگونه شعائر سنت می‌تواند به تداوم سنت کمک کند؛ بنابراین شعائر بی‌مبنا و از روی جهالت نیست، بلکه کاملاً آگاهانه برای تداوم بخشیدن به سنت است. شعائر از چارچوب‌های اجتماعی جدایی‌ناپذیر است، که یکپارچگی را به سنت اعطا می‌کند (حاجی حیدری و متقی‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۴۵).

## ۲-۲. نگهبانان سنت

گیدنز عقیده دارد که سنت‌ها نگهبانانی دارند که مسئول اجرای درست سنت‌ها هستند. «سنت در درون خود نگهبانانی دارد که حافظ آن هستند؛ مثل کاهن یا کشیش‌ها که کارشان تفسیر و توضیح و حفظ سنت‌هاست» (گیدنز، ۱۳۸۰، ص. ۷۵). شخصیت جولی از بردن بز کوهی خود برای اجرای این رسم خودداری می‌کند. مادر جولی و دیگر بزرگان طایفه او را سرزنش و عواقب عدم اجرای این سنت را به او گوش‌زد می‌کنند. شخصیت جولی پیشنهاد می‌دهد که برای بردن سرباره از پول یا بز دیگری استفاده کنند که با واکنش تند مادر و یکی از اهالی روستا مواجه می‌شود. در صحنه کشمکش شخصیت جولی و مادرش برای بردن سرباره، اهمیت اجرای این سنت به‌وضوح مشاهده می‌شود. جولی از بردن بز کوهی به‌عنوان سرباره خودداری می‌کند، ولی مادرش گوش‌زد می‌کند که اگر این کار را انجام ندهد، آبروی پدر و خانواده به خطر می‌افتد:

جولی: مشهدی مالگرد این بز را من خودم بزرگ کردم برای سرباره نمی برم.  
مادر جولی: دردت به جونم! بیا این گوسفند را ببر اذیت نکن.  
جولی: یه چیز دیگه بفرستین. حتماً باید بز من باشه؟  
مادر جولی: وای مادرت بمیره! مگه یادت نیست برای پدر خدایامرزم چه  
سرباره فرستادن؟ حالا زشت نیست ما یه چیز دیگه بفرستیم؟  
مشهدی مالگرد: آره عیب داره.

جولی: آخه بز کوهی را برای سرباره می برن؟  
مادر جولی: فردا سرکوفت می زنن... (نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۵).  
جولی راضی نمی شود بز کوهی را برای سرباره ببرد. علی رغم تأکید و تهدید  
مادرش و مشهدی مالگرد، جولی این کار را انجام نمی دهد. در این فیلم مادر جولی،  
شخصیت مشهدی مالگرد و عمه جولی نگهدارنده اجرای سنت سرباره هستند. حتی مادر،  
جولی را تهدید می کند که اگر بز را برای سرباره نبرد، برایش چوب اسکی نمی خرد و  
حق ندارد در مسابقه اسکی شرکت کند.



تصویر ۳: مشاجره مادر با جولی (فیلم اسکی باز)

Picture 3: Mother's argument with Julie (Skier's Movie)

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های /سکی‌باز و یار... \_\_\_\_\_ سجاد نجفی بهزادی و همکار

در تصویر ۳ مادر جولی براساس نظر گیدنز به‌عنوان نگهبان سنت و حفظ و توضیح آن‌ها ایفای نقش می‌کند. حرکت و نوع نگاه مادر به شخصیت جولی بیانگر اهمیت مسئله و اجرای سنت سرباره است. در فیلم /سکی‌باز در چند صحنه به شخصیت جولی پیشنهاد می‌شود که به جای بز کوهی، پول ببرد برای سرباره که قبول نمی‌کند. «اگر من بهت پول بدم برای سرباره، بز را به من می‌دهی؟ جولی گفت: آخه بقیه فامیل‌هامون گوسفند بردن. اگر ما گوسفند نبریم، سرافکنده می‌شویم. شخصیت حیران گفت: من پول خارجی، دلار، بهت می‌دم» (نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۴۶). حتی با وجود پیشنهادهای وسوسه‌انگیز، جولی حاضر نیست به جای بز، پول یا چیز دیگری برای سرباره ببرد. سنت‌ها با وجود گذشت زمان به‌صورت موروثی و جافتاده توسط جامعه یا گروه‌هایی از آن پذیرفته و رعایت می‌شود و برای آن نوعی احترام یا قداست قائل می‌شوند و چون‌وچرا درباره آن‌ها محل حساسیت قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۸، ص. ۱۱).

ازجمله دیگر عناصر مهم در ساختار زندگی ایلی و عشایری بختیاری، آیین کلنگ<sup>۸</sup> یا سلام گاه است. این آیین در حوزه اعتقادی فرهنگ بختیاری جایگاه مهم و مقدسی دارد. زمانی که بختیاری‌ها برای زیارت امامزاده با مشکل مواجه می‌شوند و دسترسی به مکان مقدس امکان‌پذیر نیست، در بلندی کوه یا تپه، سنگ‌های خشک و بدون ملات را روی هم قرار می‌دهند. این سنگ‌چین‌ها برای عبادت و راز و نیاز با امامزاده درست می‌شوند که به آن‌ها کل<sup>۹</sup> و مکان آن را سلام‌گاه می‌گویند (ر.ک: مددی، ۱۳۸۶، ص. ۴۵).

این آیین در فیلم /سکی‌باز به‌خوبی اجرا شده است. با این تفاوت که در انجام و اجرای این سنت، نوجوان و شخصیت اصلی فیلم، نگهبان و مسئول اجرای درست و نگهداری از آن است.



تصویر ۴: جولی و ترانه در کنار کِلِنگ‌ها (فیلم اسکی‌باز)

Picture 4: Julie and Tarane next to the kelengs (Skier's Movie)

زمانی که «ترانه» یکی از شخصیت‌های فیلم به سنگ‌چین‌های سلام‌گاه یا کِلِنگ نزدیک می‌شود و دست به آن‌ها می‌زند، با واکنش تند جولی مواجه می‌شود: «جولی: این یک تکه سنگ نیست، این کِلِنگه.

ترانه: کِلِنگ چیه؟

جولی: بختیاری‌ها وقتی نمی‌توانند به زیارتگاه بروند و دسترسی به آن مشکل می‌شود، سنگ‌ها را روی هم می‌چینند و عبادت می‌کنند و آرزوهایشان را می‌گویند» (نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۲۳).

از نظر گیدنز سنت‌ها اولیا و مفسرانی دارند که آن‌ها را الزام‌آور می‌کنند؛ کسانی که مسئولیت اجرای درست سنت‌ها را برعهده دارند. شخصیت جولی مانند سایر افراد در ایل بختیاری، خود و دیگران را ملزم به رعایت و احترام به این سنت‌ها می‌دانند. سنت‌ها به نوعی ذهنیت‌ها و افکاری است که در گذشته منشأ دارد و مبنای عمل و

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های اسکی‌باز و یار... \_\_\_\_\_ سجاد نجفی بهزادی و همکار

رفتار قرار می‌گیرد. درستی یا معقول بودن اعمال و رفتار سنتی براساس سابقه حضور در مدت زمانی ارزیابی می‌شود که اعمال و آداب، مورد قبول جامعه بوده است (آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۹، ص. ۱۰۶).

یکی دیگر از سنت‌های رایج در میان قوم بختیاری، خاموش کردن تلویزیون هنگام عزا و سوگواری است. وقتی شخصی از دنیا می‌رود، تا چهل روز خانواده و فامیل‌ها و طوایف مرتبط و نزدیک به خانواده متوفی، از روشن کردن تلویزیون خودداری می‌کنند. بختیاری‌ها عقیده دارند چنین رسمی احترام به شخص متوفی و خانواده اوست. علاوه بر این، پوشیدن پیراهن سیاه، اصلاح نکردن موی سر و صورت و حتی حمام نرفتن تا مدت مشخص، از مهم‌ترین آیین‌های سوگواری است. در فیلم *یار دوازدهم* به همین مسئله اشاره شده است. «بهمن» شخصیت اصلی فیلم، علاقه زیادی به فوتبال دارد. پیش از مسابقه فوتبال ایران و ژاپن، پدربزرگش از دنیا می‌رود. او اجازه روشن کردن تلویزیون و تماشای فوتبال را ندارد.



تصویر ۵: سرزنش بهمن به دلیل نادیده گرفتن سنت‌ها (فیلم *یار دوازدهم*)

Picture 5: Blaming Bahman for ignoring traditions (The Twelfth Team-mate Movie)

در تصویر ۵، عموی بهمن، شخصیت اصلی فیلم دیده می‌شود که چوب‌به‌دست ایستاده است و بهمن و دوستش را به دلیل روشن کردن تلویزیون، سرزنش می‌کند. حالت ایستادن شخصیت و چوبی که در دست دارد، تداعی‌کننده نگاهبان سنت‌هاست که گیدنز از آن یاد می‌کند:

«بهمن: حالا اگر ما تلویزیون نگاه نکنیم، پدربزرگم زنده می‌شود؟»

عمو: نه. ولی این یه رسمه. برای احترام به مرده و صاحبان عزا. باید تا چهل روز تلویزیون خاموش باشه» (نجفی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵). سیروس که پسرعموی بهمن است، به او می‌گوید: «بهمن تلویزیون را خاموش کن. اگر بابام فهمید می‌کشمون. تو رو خدا...» (همان، ص. ۳۲). قداست و اهمیت انجام چنین سنت‌هایی باعث می‌شود نگاهبانان و مفسران آن را الزام‌آور کنند. بهمن هر چه اصرار می‌کند، نتیجه‌ای دربر ندارد: «یک ساعت که به جایی بر نمی‌خوره. بذار فوتبال تیم ملی را نگاه کنیم...» (همان، ص. ۳۳)، ولی حساسیت عموی نسبت به مسئله بیشتر می‌شود. شخصیت بهمن گویی چندان اعتقادی به این مسئله ندارد و حاضر نیست به‌خاطر اجرای این سنت، از دیدن بازی فوتبال منصرف شود. او تلاش خود را برای تماشای فوتبال می‌کند، اما واکنش اهالی روستا نسبت به او، همان واکنش عموی نسبت به اجرای سنت است. شاید به همین دلیل است که گیدنز درباره سنت‌ها می‌گوید: سنت ممکن است در جوامع مختلف با حضور مدرنیته کم‌رنگ و در آستانه تحول یا تعظیمی واقع شود، اما هرگز به مرحله حذف یا زوال نمی‌رسد (بک و همکاران، ۱۹۹۴، ص. ۶۶).





تصویر ۶: پیمان بهمن را سرزنش می‌کند (فیلم یار دوازدهم)

Picture 6: Peyman blames Bahman (The Twelfth Team-mate Movie)

در تصویر ۶، بهمن از پیمان دربارهٔ مسابقهٔ فوتبال می‌پرسد:

«سلام پیمان. چه خبر از مسابقه؟»

پیمان: مگر پدر بزرگت فوت نکرده؟» (نجفی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲). تقریباً تمامی افراد و اهالی روستا، نسبت به تماشای فوتبال واکنش نشان می‌دهند و آن را امری ناشایست و بی‌احترامی به خانوادهٔ سوگوار می‌دانند.

۲-۳. سنت و هویت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سنت‌ها پیوند ناگسستنی با هویت افراد دارند. در میان طوایف مختلف بختیاری نیز سنت‌ها با هویتشان پیوند خورده است تا جایی که نسبت به اجرای درست آن‌ها، حساسیت نشان می‌دهند و فرد، هویت خود را گره‌خورده با هویت جمع می‌داند و چه‌بسا برای خود بدون ایل، طایفه و خاندان هویتی قائل نباشد. این مسئله یادآور تحلیل دورکیم پیرامون نقش فرد در جوامع سنتی است: «در فرهنگ‌های سنتی مفهوم فرد تقریباً وجود نداشت و فردیت چندان پسندیده نبود. فقط پس از ظهور جوامع

جدید و به خصوص بعد از تفاوت‌یابی و تقسیم کار بود که فرد به‌طور جداگانه در کانون توجه قرار گرفت» (گیدنز، ۱۳۸۵ب، ص. ۱۱۱). در فیلم *اسکی‌باز*، تقابل هویت فردی با همه آزادی‌هایش در نوع برخورد، پوشش، اندیشه و... با جولی نماینده هویت جمعی جامعه سنتی با همه مشخصه‌هایش قابل مشاهده و تحلیل است.



تصویر ۷: تقابل جولی و ترانه (فیلم *اسکی‌باز*)

Picture 7: The confrontation between Julie and Tarane (Skier's Movie)

شخصیت «ترانه» که برای شرکت در جشنواره به کوه‌رنگ می‌رود، با جولی برخورد می‌کند. وی فردی کاملاً امروزی و مدرن است؛ این مسئله از ظاهر، شکل لباس و سخنان او مشخص است. جولی که در روستا زندگی می‌کند و پای‌بند به برخی از آداب و سنت‌های پذیرفته‌شده است، نسبت به وضعیت ظاهری ترانه واکنش نشان می‌دهد:

«جولی: تو دختری؟!»

ترانه: آره. چطور مگه؟

جولی: فکر کردم تو پسر هستی» (نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۴۴). ترانه در برخورد اول می‌خواهد با جولی هنگام احوال‌پرسی دست بدهد، اما جولی با واکنشی تند، از او می‌خواهد که فاصله بگیرد: «ترانه: اسم من ترانه است. با جولی دست می‌دهد، جولی:

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های /سکی‌باز و یار... \_\_\_\_\_ سجاد نجفی بهزادی و همکار

دستتو بکش ...» (همان، ص. ۴۲). ورود مدرنیته و شرایط حاکم بر جامعه باعث شکل‌گیری دو گفتمان و فکر متفاوت شده است، چراکه

در موقعیت‌های تاریخی قبلی، هویت این‌قدر مسئله نبود؛ هنگامی که جوامع باثبات‌تر بودند، هویت تا حد زیادی تخصیص‌یافته بود به جای اینکه انتخاب‌شده یا اختیارشده باشد؛ ولی در زمان‌های جاری، مفهوم هویت، اهمیت کامل نیاز به درک اینکه فرد کیست را به همراه یک شتاب تند تغییر در زمینه‌های اجتماعی پیرامون انتقال می‌دهد (جنکینز، ۱۳۹۷، ص. ۳۶).

عده‌ای مانند ترانه، همگام با تغییرات جهان مدرن پیش می‌روند، اما افرادی مانند جولی، وابسته و متعهد به سنت‌ها و باورهای قومی و قبیله‌ای هستند. جولی که در جامعه در حال گذر یا سنتی زندگی می‌کند، نمی‌تواند نوع پوشش و گفتمان ترانه را بپذیرد. در بخشی از فیلم، جولی خطاب به ترانه می‌گوید: «تو آگه خواهر من بودی روزی شصت بار می‌گُشتمت ...» (نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۴۶)، چراکه برخی از باورها و سنت‌ها در وجود جولی نهادینه شده‌اند و به نوعی با هویتش پیوند دارند. اگرچه جولی و افراد مانند او با مدرنیته مخالف نیستند و گاهی از آن در جهت منفعت خود سود می‌برند، اما حضور مدرنیته نتوانست برخی باورها و سنت‌ها را از بین ببرد. از آنجا که «هویت قومی و ملی امری طبیعی و ثابت نیست که پایه‌های مشخص و تغییرناپذیر داشته باشد» (اشرف، ۱۳۹۷، ص. ۲۱)، در ساختار هویت ایلی بختیاری نیز بسیاری از این باورها و سنت‌ها رنگ باخته‌اند، اما هرگز از بین نرفته‌اند؛ بلکه به قول گیدنز، تکرار و باز تکرار می‌شوند. اجرای رسم سرباره پیوند عمیق و ناگسستنی با افراد در ایل بختیاری دارد. در فیلم /سکی‌باز این مسئله به‌خوبی دیده می‌شود. عمه جولی، اهمیت اجرای رسم سرباره را به او گوشزد می‌کند و از آبرو و حیثیت پدرش می‌گوید:

عمه گل سهر: مگه تو با بچه‌ها نرفتی ... کی گوسفند سرباره را بُرد؟ آگه سرباره رو نبری فردا تو فامیل آبروی بابات میره. جولی: بابا می‌خواد بز کوهی رو بفرسته برا

سرباره، من نمی‌برمش، خیالت راحت. عمه: می‌خوای آبروشو ببری؟ (نجفی، ۱۳۹۹، ص. ۵۵).

نمونه دیگر از پیوند سنت با هویت را می‌توان در مسئله موسیقی مشاهده و بررسی کرد. شخصیت «حیران» علاقه زیادی به موسیقی بختیاری دارد، اما نامزد او نه تنها علاقه ندارد، بلکه او را وادار می‌کند دست از موسیقی محلی بردارد. شرط او برای ازدواج، کنار گذاشتن ساز و دهل است. «باز برگشتی سر حرف اول؟ چند دفعه بهت بگم من دیگه دهل نمی‌زنم، به خاطر یه دهل قسم بخورم؟ می‌خوای بیارم جلو خودت آتیشش بزنی؟» (همان، ص. ۵۸). گفت‌وگوی حیران و نامزدش درباره دهل زدن و شغل حیران است. حیران دوست ندارد شغل پدرش را کنار بگذارد؛ از طرف دیگر نامزدش با دهل زدن او موافق نیست. حیران علاقه زیادی به نوازندگی دارد. گویی با وجود او عجین شده است.

حیران: اصلاً دیگه نمی‌زنم... بی خیال. اینم شد شغل؟ پدر: کم از بالای همین ساز و دهل خوردی؟ حرومت بشه. حیران: برا هر کاری اینقد زحمت کشیده بودم، الان وضعیتم بهتر بود. پدر: الحمدلله، شکر، وضعیتم چشه؟ حیران: هیچی. هیچ کس بهم زن نمی‌ده ... (همان، ص. ۴۸).

نارضایتی حیران از شغل دهل‌زنی به دلیل ورود آلات موسیقی جدید (مدرنیته) به منطقه و روستاست. «جولی: هرچی باشه درآمدش که خوبه؟ پدر: هه، عروسی‌های جدید که کسی سُرنا نمی‌خواد، همه از ارگ و سنتور و همین سازهای جدید استفاده می‌کنند» (همان، ص. ۴۹). هویت در ساختار زندگی ایلی از ساحت فردی فراتر می‌رود و هویت قومی را شکل می‌دهد. این نوع از هویت «مانند دیگر پدیدارهای اجتماعی، مقوله‌ای تاریخی است که در سیر حوادث و مشی وقایع تاریخی پدیدار می‌شود، رشد می‌کند، دگرگون می‌شود و معانی گوناگون و متفاوت پیدا می‌کند» (اشرف، ۱۳۹۷، ص.

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های *اسکی‌باز* و *یار...* ..... سجاد نجفی بهزادی و همکار

۲۱). همین دگرگونی‌های هویتی باعث شده کسب‌وکار برخی افراد در روستاها کم‌رونق شود، اما هیچ‌گاه مانع کسب‌وکار نشده است. امروزه با وجود ابزارهای جدید در نواختن موسیقی‌های محلی، هنوز هم از آلات و ابزار موسیقی سنتی استفاده می‌شود، چراکه موسیقی همچون دیگر پدیده‌های زندگی ایلی در تاریخ و فرهنگ مردم ریشه دارد و با هویت افراد پیوندی ناگسستنی دارد.

## ۲-۴. تکرار سنت‌ها

سنت‌ها تکرار و بازتکرار می‌شوند؛ بدون اینکه درباره‌ی اجرا و چگونگی انجام آن سؤال شود. گیدنز در این‌باره توضیح می‌دهد که

سنت شامل آیین و رسوم و مراسمی است که در حوزه‌های معین تکرار و بازتکرار می‌شود، بدون آنکه این سؤال شود که آیا آنچه انجام می‌دهیم صحیح است یا خیر. سنت تمایل به گذشته و بازسازی گذشته دارد. برخلاف مدرنیته که گسستن و بریده شدن از گذشته و سنت‌ها و نگاهش به آینده است (گیدنز، ۱۳۸۰، ص. ۸۳).

سرباره یکی از سنت‌هایی است که تمرکز فیلم *اسکی‌باز* نیز بر آن بود و پیش از این مورد بحث و بررسی قرار گرفت. حتی مدرنیته هم نتوانسته این سنت را کم‌رنگ کند یا از بین ببرد. فقط شکل اجرای این سنت تغییر کرده است، به‌طوری که در برخی مناطق بختیاری‌نشین سرباره به‌شکل پول انجام می‌شود. این سنت و سنت‌های مشابه در گذر زمان، به شکل‌ها و قالب‌های گوناگون تکرار و بازتکرار می‌شوند. یکی دیگر از سنت‌های دیرینه پای‌بندی به عزا با شیوه‌های مختلف آن است. این سنت هنوز هم در میان بختیاری‌ها و بسیاری از خانواده‌های ایرانی انجام می‌شود. فلسفه‌ی خاموش کردن رادیو و تلویزیون شاید برای افراد، مفسران و نگهبانان روشن و مشخص نباشد، اما آنچه مهم به نظر می‌رسد، اجرای درست آن است. عمومی بهمن جواب قانع‌کننده‌ای از اجرای این سنت ارائه نمی‌دهد؛ فقط می‌گوید: این رسم مهمی است که باید انجام شود. احترام به مرده است. حتی بهمن را سرزنش می‌کند که چرا این مسئله مهم را نمی‌داند: «تو نمی‌فهمی؟ این یک رسمه.

توی مدرسه به تو یاد ندادن ... آدم باید احترام مرده خودش را نگهداره» (نجفی، ۱۳۸۹، ص. ۳۱). درحالی که این سؤال پیش می‌آید که آیا مرده نیاز به احترام دارد؟ شاید احترام به بازماندگان قابل پذیرش و معقول‌تر باشد. این سنت‌ها با وجود گذشت زمان به صورت موروثی و جافتاده توسط جامعه یا گروه‌هایی از آن پذیرفته و رعایت می‌شود و برای آن نوعی احترام یا قداست قائل می‌شوند و چون و چرا درباره آن‌ها محل حساسیت قرار می‌گیرد (بشیریه، ۱۳۷۸، ص. ۱۱). شخصیت بهمن چون در شهر درس خوانده و با مدرنیت و تحولات آن بیشتر آشنا شده، به راحتی می‌پذیرد که چند دقیقه فوتبال نگاه کردن، نمی‌تواند بی‌احترامی به مرده یا باعث از بین رفتن آیین و رسوم شود. به نوعی در حال گذر از سنت به مدرنیت است، در عین اینکه پای‌بند به سنت‌هاست، اما نسبت به مدرنیت بی‌توجه نیست. در بخش دیگری از فیلم *یار دوازدهم* مسئله برگزاری جشن عروسی بعد از مرگ افراد فامیل و وابستگان مطرح است. در میان برخی از اقوام بختیاری گرفتن جشن ازدواج بعد از فوت اشخاص فامیل یا طایفه، مرسوم نیست، بدون اینکه از چرایی و فلسفه اجرای چنین رسمی سؤال شود. درگفت‌وگویی پنهانی و تلفنی شخصیت دختر با نامزد خود درباره جشن عروسی گفته می‌شود که: «تو که می‌دونی پدرم چی می‌گه. هیچ کس در روستا تا چهلم عروسی نمی‌گیره. دیگه بعد از چهلم» (نجفی، ۱۳۸۹، ص. ۱۱). دختر نمی‌تواند چرایی برگزار نشدن جشن عروسی را برای نامزدش توضیح دهد، فقط می‌گوید در روستا این گونه است که عروسی نگیرند.

### ۳. نتیجه

در مقاله حاضر، به منظور درک عمیق و تحلیل علمی از فرهنگ و ادبیات عامه ایل بختیاری و با توجه به ارتباط عمیق این حوزه با ادبیات و سینما، به بررسی دو فیلم *یار دوازدهم* و *اسکی‌باز* براساس مولفه‌های سنت از دیدگاه گیدنز، پرداختیم. با تحلیل این دو فیلم‌نامه،

نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های اسکی‌باز و یار... \_\_\_\_\_ سجاد نجفی بهزادی و همکار

مشخص شد که مؤلفه‌های مورد نظر در دو فیلم ذکر شده، به وضوح نمایان است که می‌توان در قالب موارد زیر آن‌ها را نشان داد:

- سنت‌ها پیوند ناگسستنی با هویت افراد دارند. در میان طوایف مختلف بختیاری نیز سنت‌ها با هویتشان پیوند خورده‌اند تا جایی که نسبت به اجرای درست آن‌ها، حساسیت نشان می‌دهند. اجرای درست و دقیق رسم سرباره که به نوعی با آبرو و حیثیت شخص و خانواده و حتی طایفه گره خورده است. نوع پوشش و ظاهر شخصیت جولی در مقابل شخصیت ترانه که نشان از هویت افراد دارد.

- سنت‌ها تکرار و بازتکرار می‌شوند؛ بدون اینکه درباره اجرا و چگونگی انجام آن سؤال شود. خاموش کردن تلویزیون هنگام سوگواری سنتی است که به شیوه‌های مختلف در میان اقوام بختیاری انجام می‌شود. شخصیت بهمن که نسبت به دیگر افراد طایفه با مدرنیته آشنایی بیشتری دارد (تحصیل در شهر) هم نمی‌تواند نسبت به اجرا نشدن آن نقشی داشته باشد. نظارت و حساسیت افراد بزرگ خانواده (عمو، مادر و خاله بهمن) نشان از اهمیت و تکرار این سنت‌ها دارد.

- سنت‌ها به صورت جمعی انجام می‌شوند. انجام رسم سرباره و آیین کُتل از مهم‌ترین موارد به‌شمار می‌آیند. در آیین کتل، مردان از کوچک تا بزرگ با لباس‌های یک‌رنگ بختیاری این سنت را انجام می‌دهند. برای بردن سرباره کودکان، بزرگسالان، زنان و مردان در کنار هم مشارکت دارند.

- سنت‌ها نگهبان دارند. نگهبانان سنت در دو فیلم مورد نظر شامل افراد بزرگ و کوچک و حتی زنان نیز می‌شوند. برای اجرای رسم سرباره، مادر جولی، مشهدی مالگرد، عمه و حتی دوستان جولی نقش نگهبانان سنت را ایفا می‌کنند و مدام به جولی در اجرای درست و بی‌نقص این سنت هشدار می‌دهند. برای خاموش کردن تلویزیون هنگام سوگواری نیز، عمو، خاله، مادر و دوستان بهمن نسبت به خاموش کردن تلویزیون به او گوش‌زد می‌کنند. حتی خود شخصیت جولی هم گاهی نقش نگهبان سنت را بر عهده دارد.

در نهایت اینکه این دو فیلم به عنوان اثری هنری که نشان‌دهنده و انعکاس‌دهنده آداب و رسوم مردمان بختیاری است، نشان دادند که سنت‌ها به راحتی از بین نمی‌روند؛ بلکه ممکن است به مرور زمان کم‌رنگ شوند.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Giddens
2. Marshall Berman
3. sarbareh
4. Edward Albert Shils
5. kotal
6. gâgeriv
7. David Émile Durkheim
8. keleng
9. kel

#### منابع

- آزاد ارمکی، ت. (۱۳۸۰). *مدرنیته ایرانی*. تهران: اجتماع.
- آزاد ارمکی، ت. و ملکی، ا. (۱۳۸۹). تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان. *نامه علوم اجتماعی*، ۳۰، ۹۷-۱۲۱.
- احمدی، ب. (۱۳۷۳). *مدرنیته و اندیشه‌های انتقادی*. تهران: نشر مرکز.
- اشرف، ا. (۱۳۹۷). *هویت ایرانی از دوران باستان تا پایان پهلوی*. ترجمه ج. احمدی. تهران: نشر نی.
- ارشادی فارسانی، ا. (۱۳۸۸). آیین کتل‌بندون در ایل بختیاری. *نجوی فرهنگ*، ۴، ۴۹-۵۴.
- بشیریه، ح. (۱۳۷۸). درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد. *مجله نقد و نظر*، ۲۴-۲۵، ۸-۵۸.
- پیرسون، ک. (۱۳۸۰). *معنای مدرنیته، گفت‌وگو با آنتونی گیبنز*. ترجمه ع. ا. سعیدی. تهران: کویر.
- برمن، م. (۱۳۸۰). *تجربه مدرنیته*. ترجمه م. فرهادپور. تهران: طرح نو.
- بهمنی، س.، و احمدی اوندی، ذ. (۱۴۰۰). زوال فرهنگ گاگریو: تحلیل انسان‌شناختی دگردیسی عزاداری و سوگ در میان ایالت بختیاری و بهمنی. *جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۱، ۱-۲۹.
- جنکینز، ر. (۱۳۹۷). *هویت اجتماعی*. ترجمه ا. احمدی. تهران: تمدن علمی.
- چاپلندز، پ. (۱۳۹۲). *مدرنیسم*. ترجمه ر. رضایی. تهران: ماهی.



نقد جامعه‌شناختی فیلمنامه‌های اسکی‌باز و یار... \_\_\_\_\_ سجاد نجفی بهزادی و همکار

حاجی حیدری، ح.، و متقی‌زاده، ع. (۱۳۹۱). بازسازی الگوی بازان‌دیشی گیدنز بر مبنای مواضع اخیر او راجع به سنت. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی*، ۷، ۵۰۸-۵۷۷.

ریویر، ک. (۱۳۸۶). *انسان‌شناسی سیاسی*. ترجمه ن. فکوهی. تهران: نشر نی.

عضدانلو، ح. (۱۳۸۶). *آشنایی با مفاهیم جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی.

گیدنز، آ. (۱۳۸۰). *فراسوی چپ و راست*. ترجمه م. ثلاثی، تهران: علمی.

گیدنز، آ. (۱۳۸۴الف). *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه م. ثلاثی. تهران: نشر مرکز.

گیدنز، آ. (۱۳۸۴ب). *چشم‌اندازهای جهانی*. ترجمه م. ر. جلائی‌پور. تهران: طرح نو.

گیدنز، آ. (۱۳۸۵الف). *جامعه‌شناسی*. ترجمه م. صبوری. تهران: نشر نی.

گیدنز، آ. (۱۳۸۵ب). *تجدد و تشخیص*. ترجمه ن. موفقیان. تهران: نشر نی.

مددی، ح. (۱۳۸۶). *نماد در فرهنگ بختیاری*. اهواز: مه‌زیار.

میرحیدری، م. (۱۳۹۶). آیین چمر؛ آیینی به‌جای مانده از سوگ سیاوشان. *فرهنگ مردم ایران*، ۵۱، ۹۹-۱۱۹.

موسوی اسدزاده، س. (۱۳۷۹). *سوگ‌سرایی و سوگ‌خوانی در لرستان*. خرم‌آباد: افلاک.

نجفی، ف. (۱۳۸۹). *فیلمنامه یار دوازدهم*. تهران: مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.

نجفی، ف. (۱۳۹۹). *فیلمنامه اسکی‌باز*. تهران: مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی.

نعمت طاووسی، م. (۱۳۹۲). *فرهنگ نمایش‌های سنتی و آیینی ایران*. تهران: دایره.

وبر، م. (۱۳۶۷). *مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی*. ترجمه ا. صدارتی. تهران: نشر مرکز.

## Reference

- Ahmadi, B. (1994). *Modernity and critical thoughts*. Nahr-e-Markaz.
- Ashraf, A. (2017). *Iranian identity from ancient times to the end of Pahlavi* (translated into Farsi by H. Ahmadi). Ney.
- Azad Aramaki, T. (2001). *Iranian modernity*. Ejtema.
- Azad Aramaki, T., & Maleki, A. (2010). Analysis of traditional and modern values at micro and macro levels. *Journal of Social Sciences*, 30, 121-97.
- Azodanlu, H. (2007). *Getting to know the concepts of sociology*. Ney Publishing.
- Bahmani, S., & Ahmadi Ovandi, Z. (2021). The decline of Gâgeriv culture: an anthropological analysis of the transformation of mourning and bereavement among Bakhtiari and Bahamei states. *Sociology of culture and art*, 1, 29-1.

- Bashiriyeh, H. (1999). An introduction to modern sociology. *Naqd and Nazar magazine*, 24-25, 8-58.
- Beck, U., Giddens, A., & Lash, S. (1994). *Reflexive modernization: politics, tradition and aesthetics in the modern social order*. Stanford University Press.
- Berman, M. (2001). The experience of modernity. Translation of M. Farhadpour. Tehran: New design.
- Childs, P. (2012). *Modernism* (translated into Farsi by R. Rezaei). Mahi.
- Ershadi Farsani, A. (2009). Kotalbandoon ritual in Bakhtiari tribe. *Najvai-e-Farhang*, 4, 54-49.
- Giddens, A. (2001). *Beyond left and right* (translated into Farsi by M. Talasi). Scientific.
- Giddens, A. (2006 A). *Sociology* (translated into Farsi by M. Saboor). Ney Publishing.
- Giddens, A. (2006 B). *Modernity and individuality* (translated into Farsi by N. Movafag). Ney Publishing.
- Giddens, A. (2007 A). *Consequences of modernity* (translated into Farsi by M. Trinity). Nahr-e-Markaz.
- Giddens, A. (2007 B). *Global perspectives* (translated into Farsi by M. R. Jalalipur). New design.
- Haji Heydari, H., & Motaghizadeh, A. (2011). Reconstruction of Giddens's rethinking model based on his recent positions on tradition. *Social Studies and Research*, 7, 577-508.
- Jenkins, R. (2017). *Social identity* (translated into Farsi by A. Ahmadi). Scientific civilization.
- Madadi, H. (2007). *Symbol in Bakhtiari culture*. Mahzeyer.
- Mirheidari, M. (2016). Chamar ritual; A ritual left over from Siavashan's mourning. *Iranian People's Culture*, 50-51, 119-99.
- Mousavi Asadzadeh, S. (2000). *Mourning and chanting in Lorestan*. Aflak.
- Najafi, F. (2010). *The script of the Twelfth Team-mate*. Center for the Development of Documentary and Experimental Cinema.
- Najafi, F. (2019). *The Skier script*. Center for the Development of Documentary and Experimental Cinema.
- Nemat Tavousi, M. (2012). *The culture of traditional and ritual performances of Iran*. Circle.
- Pearson, K. (2001). The meaning of modernity, a conversation with Anthony Giddens. Translation by A. A. Saidi. Tehran: Kavir.
- Riviere, K. (2007). *Political anthropology* (translated into Farsi by N. Fegghi). Ney Publishing.
- Weber, M. (1988). *Basic concepts of sociology* (translated into Farsi by A. Chancellor) Publishing Center.